

در باره زندگی رفیق شهید بهزاد یوسفی



روز ۲۲ شهریور ۱۳۵۹ ، در جریان نبرد پیشمرگان چریکهای فدائی خلق با ارتش مزدور امپریالیستی و پاسداران ارتجاع در گُردستان، رفیق بهزاد یوسفی در میدان نبرد با دشمنان قسم خورده خلقهای تحت ستم ایران بشهادت رسید. مرگ فدایی وار رفیق بهزاد در شرایطی اتفاق افتاد که ارتش مزدور، در چهارچوب سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه خلق گُرد مبادرت به اعزام یک ستون ارتشی از بانه به سردشت نموده بود تا با تقویت نیرو های خود در سردشت هجوم گسترده ای را به پیشمرگان خلق گُرد سازمان دهد. این ستون مورد یورش قهرمانانه پیشمرگان خلق گُرد و از جمله واحدی از پیشمرگان چریکهای فدایی خلق قرار گرفت و در جریان این نبرد قهرمانانه، چریک فدائی خلق رفیق بهزاد یوسفی در اثر اصابت راکت هلیکوپتر های ارتش مزدور به شهادت رسید.

رفیق بهزاد یوسفی، همچون هزاران هم نسل خود در جریان انقلاب ضد امپریالیستی سالهای ۵۶ و ۵۷ به صفوف انقلاب پیوست. با توجه به فضای انقلابی آن سالها و امکان نشر آثار مارکسیستی و آثار مترقی دیگر، رفیق بهزاد امکان یافت به مطالعه این آثار بپردازد و با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که به اعتبار نقش پیشتازانه خود در مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با استقبال بخش بزرگی از نیرو های مردمی مواجه شده بود ، آشنا شده و به طرفداری از این سازمان برخیزد. به دنبال قیام بهمن و پس از اینکه دارو دسته خمینی به مقابله با خواستها و مطالبات بر حق خلق گُرد برخاستند و با جنایات خود و از جمله قتل عام مردم بی گناه در گُردستان، نورو خونین سنندج را آفریدند، نیرو های مبارز گُرد که از سازمان چریکهای فدائی خلق حمایت می کردند ، خواهان سیاست قاطع این سازمان در مقابله با جمهوری اسلامی و حمایت از خلق گُرد و در همین راستا شرکت فعالش در جنبش خلق گُرد بودند. اما آن سازمان که به ناحق نام چریکهای فدائی خلق را یدک می کشید، نه تنها به خواست این نیروهای انقلابی عمل نکرد بلکه به تدریج و هر چه بیشتر نشان داد که زیر رهبری یک دارو دسته سازشکار قرار گرفته و به همین دلیل قصد شرکت در جنبش خلق گُرد و مقابله با جمهوری اسلامی را ندارد؛ و بر عکس با اعمال خود پایه های لرزان حکومت جنایتکاران حاکم علیه توده های تحت ستم را تقویت می کند. به همین دلیل هم خیلی زود بخش بزرگی از هوادارانش در گُردستان با دیدن سیاستهای سازشکارانه و مماشیت طلبانه این سازمان، صفوف آنرا ترک و به سازمانهای دیگر پیوستند. رفیق بهزاد از جمله چنین انقلابیونی بود که با اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق که خود به همان دلایل ذکر شده

در فوق، صفوف خود را از آن جریان سازشکار جدا نموده و تشکل نوئی شکل داده بودند، به شاخه گُردستان این تشکل انقلابی پیوست.

رفیق بهزاد با آگاهی از تجربیات پیشین مبارزات خلق گُرد و با وقوف به نظرات کمونیستی چریکهای فدائی خلق در رابطه با چگونگی رهائی خلقهای ایران از زیر سلطه دشمنان خود بر این باور بود که بدون نابودی نظام سرمایه داری وابسته و رژیم حامیش جمهوری اسلامی که تماما به امپریالیستها وابسته بود نه جنبش خلق گُرد به پیروزی می رسد و نه خلق گُرد به خواستهای بر حق خود و از جمله حق تعیین سرنوشت خویش دست خواهد یافت. به همین دلیل هم به اهمیت و ضرورت پیوند مبارزات خلق گُرد با مبارزات کارگران و ستمدیدگان سراسر ایران باور داشت و معتقد بود که خلق گُرد زمانی قادر به تحقق حق تعیین سرنوشت خویش است که دست در دست بقیه خلقهای ایران دشمن مشترک یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را نابود سازد. متأسفانه نیروهای سیاسی فعال در جنبش خلق گُرد این خط انقلابی را دنبال نکرده و با محدود کردن مبارزه صرفا به گُردستان و با تزه‌های ناسیونالیستی ای نظیر "اشغالگر" نامیدن رژیم جمهوری اسلامی در گُردستان، به بیراهه رفتند. این خط فکری ضربه زنده به جنبش خلق گُرد با چنین رهنمود هائی امروز نیز می کوشد سرنوشت خلق گُرد را از سرنوشت بقیه خلقهای ایران جدا کرده و در نتیجه ارتباط این خلق رزمنده را از متحدینش گسسته و آن را در مقابل دشمنانش آسیب پذیر نماید. اما رفیق بهزاد در میدان نبرد با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در گُردستان با هدف و چشم انداز متحد کردن همه خلقهای ایران علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و در نتیجه با اعتقاد به هم سرنوشتی خلق گُرد با دیگر خلقهای ایران مبارزه کرد و جانش را در این راه فدا نمود.

امروز ۳۷ سال پس از جان باختن رفیق بهزاد، تمام واقعیات نشان داده اند که تنها پیشرفت یک مبارزه متحد و قهر آمیز، مبارزه ای که یکی از آماج هایش، پراکنده نمودن نیروهای دشمن در سراسر ایران می باشد، امکان نابودی رژیم دار و شکنجه حاکم را مهیا می سازد. از این رو اتحاد داوطلبانه همه نیروهای انقلابی و تشدید مبارزانشان علیه دشمن مشترک خود که در حال حاضر در وجود رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی متجلی است تنها راه رهائی خلقهای ایران از زیر سلطه دشمنانشان می باشد.

چریک فدائی خلق رفیق بهزاد یوسفی با چنین باور ها و چشم اندازی بود که با همه وجود به چریکهای فدائی خلق و از این طریق به جنبش خلق گُرد پیوست و صمیمانه جانش را وثیقه پیروزی آرمانهای کمونیستی چریکهای فدائی خلق ایران و مطالبات بر حق جنبش خلق گُرد نمود.

یاد رفیق بهزاد یوسفی گرامی و راهش پر رهرو باد!